



موافقت رهبر انقلاب  
با استعفای آیت‌الله جنتی

۲ صفحه



هیات ایرانی برای نهایی سازی متن  
توافق با آژانس دیدار خواهد کرد

۳ صفحه

# مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

شنبه ۹ آذر ۱۴۰۰ - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۳ - ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱ - سال بیستم - شماره ۵۵۹۱ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

همزمان با مذاکرات وین صورت گرفت

## نگرانی رژیم صهیونیستی از لغو تحریم‌ها و احیای برجام

۳ صفحه

نمایندگان مجلس انقلابی در سانتیاگو برنابو!

به فکر معیشت مردم هستید  
یا خونگرمی طرفداران رئال مادرید؟

۳ صفحه

داستان فامیل سالاری در شهرداری تهران ادامه دارد

توجیه انتصاب فامیلی جدید به روش قدیمی زاکانی!

۴ صفحه

سقوط سهمگین سهم فرش دستباف از صادرات غیر نفتی

افول جایگاه فرش ایرانی  
در بازارهای جهانی

۳ صفحه

در سال ۹۹ میزان صادرات غیرنفتی کشور ۴۱ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار بود و طبق آمار سازمان توسعه تجارت سهم صادرات فرش دستباف کشور از این میزان، حدود ۷۲ میلیون و ۴۲۴ هزار دلار بوده است. این درحالی است که در سال ۷۸ از ۳ میلیارد و ۴۵۶ میلیون دلار صادرات غیرنفتی کشور سهم صادرات این کالا ۶۹۰ میلیون دلار بوده است. یعنی صادرات فرش دستباف از سهم ۱۹ درصدی خود از صادرات غیرنفتی در سال ۷۸ به ۰.۱۷ درصد در سال ۹۹ کاهش یافته است.

۵ صفحه



وال استریت ژورنال بررسی کرد

نقش نفوذی‌های طالبان در سقوط دولت افغانستان

صفحه ۱۱

سر مقاله

ضرورت سیاستگذاری جامع در جذب نخبگان



علی‌اکبر مومنی

در روزهای اخیر دو خبر مهم در حوزه جوانان و نخبگان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است و اهمیت پرداختن به این مقوله و حفظ و جذب سرمایه نخبگی را آشکار می‌سازد و تغییر و تحول در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ها ضرورت می‌یابد. یکی اینکه مسعود قره‌خانی سیاستمدار ایرانی تبار حزب کارگر نروژ، توانسته به‌عنوان رئیس جدید پارلمان این کشور انتخاب شود. ایشان ۳۹ ساله متولد تهران و فارغ‌التحصیل رشته رادیوگرافی است و در سال ۱۳۶۶ به نروژ مهاجرت کرده است. در نروژ، رئیس پارلمان بعد از پادشاه دومین مقام قدرتمند کشور است.

شاید در ابتدا سوالی به ذهن متبادر شود که چرا جوانان و نخبگان ایرانی در داخل ایران به چنین مناصبی دست نمی‌یابند و چرا این نیرو و سرمایه انسانی باید در خارج از مرزها در خدمت بیگانگان درآید و کشور ایران و سرزمین مادری از چنین موهبتی محروم است؟

در پاسخ به این پرسش، جدا از مباحث افزایش مسائل و حوزه عملی آن می‌شود. جنوب به سوی کشورهای توسعه یافته، نکته مهم ذات قدرت سیاسی و نوع مناسبات درونی قدرت است. قدسی بودن سیاست، ایدئولوژیکی شدن سیاست، دست‌نهاییات غیر رسمی و فرافانونی و ارزش‌های خاص حاکمان سیاسی موجب شده افراد جامعه به طور برابر نتوانند در مناصب و مدیریت سیاسی حضور داشته باشند. چنانچه در ایران چند سال اخیر این امر

آشکارتر شده است و با گذشت زمان حلقه تصدی مناصب سیاسی تنگ‌تر شده و در دایره افرادی وابسته به جناح و تفکری خاص یا متعلقان به ارگان‌های شبه نظامی خلاصه می‌شود. در مقابل آنچه باعث شده یک ایرانی یا یک مهاجر خارجی در کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی امکان حضور در بالاترین سطح نظام حکمرانی را داشته باشد به عرفی بودن سیاست و مبنای پایبندی به قانون و عدالت سیاسی بر می‌گردد و مهم‌تر از همه فعالیت سیاسی بر اصول صحیح رقابت و در کاتال‌های رسمی آن همانند حزب و پارلمان برقرار است. لذا در آنجا اگر به نخبگان خارجی یا داخلی اهمیت داده می‌شود ابتدا نظام سیاسی همانند دیگر نظام‌ها بصورت پروژه به همانند شرکت‌های سهامی به بهترین و متخصص‌ترین فرد برای کنترل و هدایت سپرده می‌شود و باور به تغییر و بهره‌گیری از نیروی جوان و نخبه در این امر اهمیت داشته و نتایج آن شامل حال جامعه و حکومت خواهد شد.

خبر دیگر در این حوزه مربوط به اظهارات وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در خصوص تغییر شرایط خدمت سربازی فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری است. به گفته وزیر علوم ما سالی ۵ تا ۶ هزار دانش‌آموخته دکتری داریم که باید به سربازی بروند. در این راستا با ستاد کل نیروهای مسلح مذاکراتی انجام گرفته که این افراد بجای خدمت سربازی دوره پسا دکتری را بگذرانند و زیر نظر اساتید دانشگاه طرح‌هایی را براساس نیازهای جامعه ارائه دهند و حقوق این افراد هم یک سوم تا یک دوم پژوهشگران پسادکتری معمولی خواهد بود. ارائه چنین طرحی قدم بزرگی برای هدایت

یادداشت

داستان «تقسیم آب و کم‌آبی» و ماجرای اصفهان



عباس محمدی

انتقال آب از این منطقه به آن منطقه و دادن حقیقه به جاهایی که بیش از سهم طبیعی یا دربرنیه می‌خواهند، دیر یا زود به ورشکستگی همگانی سهم‌بران می‌انجامد... و این ورشکستگی دامن سرزمین و کسانی را که در این بازی نبوده‌اند نیز می‌گیرد و به شکل خشک‌دگی رودخانه‌ها و تالاب‌ها، نابودی ماهیان رود و مصب، فرونشست زمین، برخاستن ریزگردها، پایین رفتن جبران ناپذیر آب‌خوان‌ها و غرق شدن آب‌خوان‌ها، و غرق شدن سکونتگاه‌های انسانی و زیستگاه‌های طبیعی در گرد و غبار رخنمون خواهد شد.

در روز جمعه ۲۱ آبان محرابیان وزیر نیرو در جمع شماری از کشاورزان اصفهان در یکی از مهدیه‌های این شهر گفت: «رئی که امروز به دولت رسیده سدهای خالی، سوءمدیریت و پروژه‌های تعطیل است. اگر پروژه‌های حوضه زاینده‌رود در زمان خودش اجرا می‌شد، امروز شاهد این همه رنج نبودیم. امروز با حضور نمایندگان مجلس و استانداران و نمایندگان کشاورزان... تصمیمات انقلابی خواهیم گرفت» (پایگان اطلاع‌رسانی وزارت

نیرو). جمعه هفته بعد آن «انقلاب» رخ داد! نگاه خوش‌بینانه به تجمع بزرگ گروه‌هایی از کشاورزان و دیگر قشرها در بستر خشک رودخانه زاینده‌رود که از جمعه ۲۸ آبان آغاز شد، حاکی از این بوده که به هر حال مردم از بدمدیریتی در حوزه منابع آب به تنگ آمده و زبان به اعتراض گشوده‌اند. خوش‌بینی باز حکم می‌کرد که برخورد غیرخوشونت‌آمیز و نامتداول با این تجمع (تا جمعه پنجم آذر) را به فال نیک بگیریم و بگوئیم که حکومت حق اعتراض را به رسمیت می‌شناسد و به معترضان گوش می‌سپارد؛ چنان‌که رادیو و تلویزیون رسمی کشور و دیگر رسانه‌ها، تجمع را کم‌وبیش به‌خوبی پوشش دادند و برخلاف گذشته، آن را اغتشاش خواندند. اما واقع‌بینی حکم می‌کند که قضیه را از زاویه دیگری هم بنگریم. محرابیان با آن که از مدیریت بد مسئولان پیشین گله می‌کند (البته بی آن که مشخصاً از مدیر یا سیاستی نام ببرد) اما همچنان مدافع همان سیاست‌هایی است که نتیجه‌اش شده بدترین وضعیت منابع آبی ایران در طول تاریخ این سرزمین. یعنی شکایتش این است که چرا پروژه‌های قبلی (که همگی سدسازی و انتقال آب بوده) معطل مانده‌اند. بگذریم که خود او به‌عنوان شخصی که پیش از این هم در مدیریت کلان کشور نقش داشته، می‌داند که تقریباً هیچ پیروزی، یا به‌ویژه پروژه‌های دولتی، در ایران در زمان مقرر به پایان نمی‌رسد و گرفتاری آب از دیر اجرا شدن برنامه‌های سدسازی و انتقال آب نیست بلکه از نوع این برنامه‌ها است.

محرابیان درس‌خوانده مهندسی عمران (ساختموساز) و اهل خوانسار از شهرهای استان اصفهان است. او در دولت احمدی‌نژاد وزیر صنایع بوده و در دوره تصدی این پست توست او، یعنی حدود ده میلیون تن به حدود بیست میلیون تن رسید. می‌دانیم که بیشتر کارخانه‌های فولاد ایران در منطقه‌های دور از دریا ساخته شده و با فناوری‌های پایینی که دارند، مصرف آب‌شان از متوسط‌های جهان بسیار بالاتر است. محرابیان همچنین مدیر یک شرکت خصوصی سدسازی بوده است. پس، از ظواهر امر چنین برمی‌آید که همچنان سرنوشت رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی، و آن‌گونه که به تازگی می‌گویند، سرنوشت «آب‌های ژرف» و شیرین‌سازی آب دریاها... به دست مهندسانی خواهد بود که درس مهار رودخانه و ساختن سد و لوله یا کانال انتقال آب خوانده‌اند. با این حساب، می‌توان حدس زد که در پاسخ به مطالبه‌های قدرت‌یافته چند سال اخیر در مخالفت با سد سازی و انتقال آب، یک لابی از کشاورزان اصفهان با چرخ سبز برخی محافل ترتیب این تجمع‌ها را داد. نتیجه‌ای هم که گرفته شد، یعنی صورتجلسه مورخ دوم آذر در استانداری اصفهان، نشان می‌دهد که خوش‌بینی‌ها در زمینه محیط زیستی بودن اعتراض بیشتر کسانی که در بستر خشک زاینده‌رود تصمن کرده بودند، در واقع خوش‌خیالی بوده است. در جلسه دوم آذر، استاندار و نمایندگان کشاورزان و شورای میراب‌ها و آب‌بران و اداره کل اطلاعات و مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر حضورداشته و توافق‌هایی در زمینه تشکیل کمیته مشترک، بازگشایی آب آاز سد، پرداخت خسارت به کشاورزان، و پایان تجمع‌ها از روز سوم آذر صورت گرفت. در این صورت‌جلسه حتی یک کلمه هم درباره محیط زیست و حق طبیعی رودخانه‌هایی که هدف برداشت آب برای انتقال به زاینده‌رود هستند و حق مردم و دیگر زیستمدان مسیر آن رودها به چشم نمی‌خورد.

واقعیت این است که اقتصاد و آب ما همان‌گونه که لستر براون در کتاب نجات محیط زیست گفته، به‌شبهه «پونزی» اداره می‌شود. این شبهه، همان روشی است که در ایران به «شبه‌های هرمی» معروف شده؛ از عده زیادی پول گرفته می‌شود و به آنان سودی بالاتر از سود معمول بازار می‌دهند، اما این سود از محل همان سرمایه‌های مردمی است که پول‌شان گرفته شده است. پس از چندی که پول خوبی در حساب مؤسسان شرکت جمع شد، این افراد پول‌ها را برمی‌دارند و یا به فرار می‌گذارند یا اعلام ورشکستگی می‌کنند و با حیل‌های دیگر پول‌ها را می‌خورند. انتقال آب از این منطقه به آن منطقه و دادن حقیقه به جاهایی که بیش از سهم طبیعی می‌دیرینه می‌خواهند، دیر یا زود به ورشکستگی همگانی سهم‌بران می‌انجامد و



مردم سالاری

www.mardomsalari.ir

مردم سالاری

هم ارز ارزان بفروشد، باز هم برای همان ۱۰ درصد بازار آزاد تشکیل می‌شود، تنها اتفاقی که می‌افتد، این است که مثلاً اگر مسافر می‌تواند ارز ارزان بخرد، انواع نقلیات برای مسافر جلوه دادن صورت می‌گیرد، و اگر می‌گویم برای درمان ارز ارزان می‌دهیم، یعنی همه متقلبان هم که خود را بیمار جا زده‌اند، می‌توانند ارز ارزان و سهمیه‌ای دریافت کنند تا بتوانند بسا خرید از این بازار، ارز مورد نیاز در بازار آزاد را تأمین کنند و از این طریق سودی به جیب بربزند.

البته سخت‌گیری‌ها هم در کنترل مدارک هر قدر بیشتر شود، فاصله قیمت‌ها در بازار آزاد با قیمت‌های دولتی بیشتر می‌شود، هر چه فاصله قیمت بیشتر شود، تقلب هم بیشتر صرف می‌کند و ساختن مدارک دروغین بیشتر مقرون به صرفه می‌شود.

به نظر من آسان‌ترین راه برای ساماندهی به بازار، این است که دست از صدور بخشنامه‌های دست و پاگیر برداشته شود، بازار به دست عرضه



علی‌اصغر سمیعی

آسان‌ترین راه برای ساماندهی بازار ارز

علم اقتصاد هم مانند تمام علوم دیگر دارای مبانی و اصولی است که تخصصی از آن باعث گمراهی فعالان در حوزه عملی آن می‌شود. مثلاً وقتی مسئولان اقتصادی بسا صدور بخشنامه‌های صرافان را موظف می‌کنند که به گروه‌های خاصی، مثلاً ۲۵ گروه ارز بفرروشند و به گروه بیست و ششمین نفروشند، فوراً بازاری برای ارائه خدمات ارزی، به آن گروه و دیگر گروه‌هایی که صرافان اجازه فروش ارز به آنها را نداده‌اند، ایجاد می‌شود، و همزمان ۲۵ گروهی که اجازه خرید ارز از صرافان به قیمت ارزان‌تر را دارند، از این امتیاز خود برای تهیه ارز ارزان و عرضه آن به بازار آزاد که برای متقاضیان دیگر تشکیل شده، فعال می‌شوند.

اگر فرضاً بانک مرکزی به ۹۰ درصد متقاضیان